

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۲۵

۶ آبان ۱۳۷۹

۲۷ اکتبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

یک پیروزی برای کارگران

جمهوری اسلامی در برابر اولتیماتوم کارگران حفاری عقب نشست!

آخرین خبر:
پیروزی دیگر
در چیت بهشهر

صفحه ۴

آگاهانه از آن استفاده کنند و خواستههای فوری خود مانند پرداخت فوری دستمزدهای معوقه صدها هزار کارگر، افزایش فوری دستمزدها و الغای رسمی طرح اصلاح ساختار نفت را سریعاً و با قدرت به میان بکشند.

زمان ایفای نقش طبقه کارگر در مرکز سیاست ایران و رها کردن جامعه از شر جمهوری اسلامی فرا میرسد. دور نیست آن روزهایی که توده های عاصی از جمهوری اسلامی در خیابان ها فریاد بزنند: "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما!"

حزب کمونیست کارگری ایران
دوم آبان ۷۹

آمده روبرو است. جامعه ایران در حال انفجار است و یک اعتصاب قدرتمند در میان کارگران نفت میتواند شیور انقلاب را به صدا درآورد. جمهوری اسلامی مجبور شد عقب بنشیند تا اعتراض فروکش کند.

عقب نشینی جمهوری اسلامی آغاز عقب نشینی های گسترده تر است. مجمع عمومی کارگران حفاری باید بطور منظم و فعال در مساله سرنوشت شرکت ملی حفاری دخالت کند و مطالبات فروکوفته چندین و چند ساله کارگران را به میان بکشد و پیگیری کند. این میتواند شروع یک تعرض سنجیده و منظم باشد. جمهوری اسلامی نشان داد که در موقعیت بسیار ضعیفی قرار دارد. این فرصتی است که کارگران نفت و کل طبقه کارگر ایران باید

حتی نه فقط کارگران نفت، که برای کل کارگران ایران است. این پیروزی میتواند آغاز به میدان آمدن طبقه کارگر با سلاح پر قدرت اعتصاب در بخش های کلیدی تولید و یافتن مکان واقعی و سیاسی خود در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و پایان دادن به این جهنم فقر و جهل و اختناق باشد. حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به کارگران حفاری و کل طبقه کارگر ایران صمیمانه تبریک میگوید.

جمهوری اسلامی در برابر اعتراض قدرتمند کارگران حفاری عقب نشست چون از شعله ور شدن اعتراض در میان کل کارگران نفت وحشت داشت. جمهوری اسلامی عقب نشست چون این روزها با موج فزاینده اعتصابات کارگری و اعتراضات مردم بجان

دوم آبان ۷۹ وزارت نفت جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای اعلام کرد که طرح واگذاری شرکت ملی حفاری به بخش خصوصی را متوقف کرده است. این عقب نشینی رژیم اسلامی بدنبال تحصن گسترده کارگران رزمنده حفاری در اهواز و توقف کار در ایستگاههای حفاری طی هفته گذشته صورت میگیرد. روز پنجشنبه کارگران حفاری به وزارت نفت اطلاع دادند که اگر ظرف ۷۲ ساعت طرح را پس نگیرد مجددا دست به اعتراض میزنند و اینبار همه دستگاهها را از کار خواهند انداخت. امروز ۷۲ ساعت پس از این اخطار قدرتمند، جمهوری اسلامی درمانده و زیونانه عقب نشست. این یک پیروزی مهم نه فقط برای کارگران حفاری و

مبارزه متحد علیه بیکارسازی ها

یک ضرورت فوری!

صفحه ۳

هفته اعتراض برای آزادی محمود صالحی

صفحه ۴

قطعنامه کنگره سوم درباره: صفحه ۲

اوضاع ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری

دانشجویان و مردم شهرها و محلات مختلف حتی اگر ظاهری صنفی و رفاهی داشته باشند، محتوایی بشدت سیاسی دارند و در مواردی مثل "عجب شیر" به قیام و اقدام سیاسی توده ای ارتقا، میابند. گسترش اعتراضات کارگری گرچه علیه فلاکت و بیکاری بی سابقه فعلی است اما در عین حال انعکاس این وضعیت سیاسی، جزئی از این وضعیت و عامل مهم تاثیر گذار بر این وضعیت است. تحصن چند روزه کارگران نساجی بهشهر بر فضای کل شهر تاثیر میگذارد، پیروزی کارگران شرکت ملی حفاری فاکتور قدرتمند تحولات تاریخ معاصر ایران، یعنی مبارزه کارگران نفت را به همه خاطر نشان میکند.

صفحه ۲

تحرك اخیر جنبش کارگری و اوضاع سیاسی

سرها بطرف کارگران می چرخد!

جدا از اوضاع سیاسی و تحولات ماههای اخیر نیست. با به بن بست رسیدن قبیل و قال "اصلاحات از بالا"، زوال دوم خرداد و میداننداری جناح راست، صحنه سیاست ایران بیش از پیش به میدان نبرد توده مردم رادیکال، آزادخواه و سرنگونی طلب بر علیه کل جمهوری اسلامی تبدیل میشود. بعد از وقایع خرم آباد، دیگر زد و خورد و رودرویی مستقیم با عوامل جمهوری اسلامی، جاده بستن و بریایی تظاهرات برای تحقق مطالبات روزمره به یک داده اوضاع سیاسی ایران تبدیل میشود. اعتراضات

بیکارسازی و برای گرفتن پرداخت حقوق معوقه شکل گرفت، اما مواردی نظیر مبارزه موفق کارگران فولاد اهواز برای اجرای طبقه بندی مشاغل میتواند نشانه ای از به میدان آمدن بخش های شاغل و طرح مطالباتی نظیر افزایش دستمزدها باشد. تحصن و اعتصاب کارگران حفاری اهواز و التیماتوم آنها، جمهوری اسلامی را به توقف طرح فروش شرکت ملی حفاری (و در همانحال نقشه بیکارسازی وسیع کارگران) مجبور کرد. این پیروزی با اهمیت سیاسی برای کارگران بود.

تحرك اخیر در جنبش کارگری



مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

هفته های گذشته با جنب و جوش چشمگیری در جنبش کارگری همراه بوده است. از جمله شهرهای ساری، بهشهر، کرمانشاه، اهواز، آبادان و اصفهان شاهد اجتماع و تظاهرات و یا اعتصاب کارگران بود. گرچه اعتراضات کارگری عمدتاً از سوی بخشهای در معرض

توجه! توجه!

رادیو انترناسیونال

از یکشنبه ۸ آبان

۹ تا ۹/۴۵

بوقت تهران

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع دهید

فقط امروز و فردا

۸:۳۰ تا ۹

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعه نامه کنگره سوم درباره:

اوضاع ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری

به اتفاق آراء به تصویب رسید

۱- آغاز روند سرنگونی رژیم اسلامی، پولاریزاسیون اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه و واقعیات بنیادی اقتصاد سیاسی سرمایه داری در ایران، فرصت تاریخی تعیین کننده ای برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای برقراری سوسیالیسم در ایران فراهم کرده است.

۲- انقلاب ۵۷ اولین صف آرای عظیم اجتماعی و طبقاتی در متن یک ایران کاپیتالیستی بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ضد استبدادی و ضد سلطنتی ۵۷، چشمگیر، بی سابقه و تعیین کننده بود. با اینحال در فقدان یک جنبش حزبی خود آگاه و دینفوذ کمونیستی کارگری که بتواند حضور مستقل طبقه کارگر در انقلاب همگانی و رهبری

طبقه کارگر برجش عمومی را تضمین کند و افق رهاییبخش سوسیالیسم کارگری و مارکسی را به آرمان عمومی صف آزادی خواهی و انقلاب بدل کند، جنبش ارتجاعی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی انقلاب مردم را به بیراهه بردند و نهایتاً به خون کشیدند.

۳- اینبار جنبش حزبی کمونیستی کارگری، حتی مقدم بر حضور توده ای کارگران در صحنه سیاسی ایران حاضر است و فی الحال بعنوان یکی از نیروهای سیاسی دخیل در روند اوضاع سیاسی آتی در سطح جامعه برسمیت شناخته شده است. حزب کمونیست کارگری، محصول عروج کارگر در انقلاب ۵۷ و ظهور یک جنبش حزبی متکی

بر کمونیسم مارکس و لنین، و نگرشی دخالتگر و رادیکال در صحنه سیاسی ایران است. بیش از دو دهه جدال کمونیسم کارگری علیه احزاب و طبقات و افقهای بورژوازی و خرده بورژوازی در جامعه ایران و در درون چپ، بیش از دو دهه دفاع از کمونیسم و مارکسیسم در اوج حملات بورژوازی جهانی، و بیش از دو دهه تلاش برای سازماندهی یک پراتیک کمونیستی در متن و مرکز جدال اجتماعی، حزب کمونیست کارگری را به پرچمدار اصلی آزادیخواهی و برابری طلبی، رادیکالیسم و سوسیالیسم در جامعه ایران بدل کرده است. اکنون تمام احزاب و دستجات اصلی بورژوازی ایران، از جریانات اسلامی حاکم و

منتقدین درونی شان تا کل اپوزیسیون ملی و اسلامی خارج حکومت و ملیون طرفدار غرب و مدافعان رژیم پیشین، کمونیسم کارگری را بعنوان قطب مقابل خود تعریف میکنند. ضدیت با حزب کمونیست کارگری به شاخص ابراز وفاداری با حکومت و تبری جویی از سرنگونی طلبی و رادیکالیسم و انقلاب بدل شده است.

۵- کنگره بار دیگر بر اهمیت مباحث "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" بعنوان مباحث کلیدی در ارتقاء حزب به سطح وظایف خطیر خویش در دوره کنونی تاکید میکند و خواهان آنست که وسیع ترین استنتاجات عملی این مباحثات به اجرا درآید.

۶- کنگره موکدا توجه رهبران و کادرهای حزب در سطوح مختلف را به ابعاد عظیم وظایفی که دوره کنونی بر عهده آنها میگذارد جلب میکند. کنگره خواهان آنست که استانداردهای فعالیت حزب در تمام سطوح متناسب با نیازهای این دوره بالا برده شود.

۷- کنگره به تمام اعضاء و فعالین حزب برای حضور در یک مبارزه متحدانه، پرشور، وقفه ناپذیر، منضبط و گسترده برای پیروزی کمونیسم در تحولات جاری ایران فراخوان میدهد.

۴- اوضاع سیاسی ایران یک فرصت معین برای یک حرکت تاریخساز کمونیستی با نتایج دگرگون کننده در ایران و در سطح بین المللی فراهم آورده است. این فرصت نباید از کف برود. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران توجه حزب را در تمام سطوح به وظایف خطیری که این موقعیت بردوش حزب قرار میدهد جلب میکند. حزب کمونیست کارگری باید بعنوان حزب کارگران در جدال قدرت و رهبر انقلاب مردم پا به میدان بگذارد. کنگره در عین وقوف به دشواری ها و موانع عظیم و بسیاری که بر سر راه حزب و جنبش کمونیسم کارگری در ایفای

از صفحه ۱

سرها بطرف کارگران می چرخد!

عجیب نیست اگر طی هفته های اخیر بطور محسوس سرها به طرف کارگران بچرخد. نه فقط از جانب مردم که از سوی لایه های مختلف جمهوری اسلامی: رفسنجانی در اجلاس سالانه کانون شوراهای اسلامی کار (اواخر مهر) از "وفاداری جامعه کارگری" (بخوانید شوراهای اسلامی) به نظام تشکر میکند و اطمینان میدهد که "رهبر" به فکر آنهاست. در همین نشست شوراهای اسلامی کار طی قطعه نامه ای به دولت هشدار میدهند که "امنیت شغلی و تشکلات کارگران" اهمیت ویژه ای دارند و خواهان رفع "قید و بند" از تشکلهای کارگری و "اجازه شکوفایی و خلاقیت" به آنها "منطبق با قواعد بین المللی" میشوند. انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی در اول آبان برای فائق آمدن بر "رکود مجلس" از جمله پیشنهاد به "تدوین قوانین برای برداشتن موانع ایجاد احزاب و سندیکاهای کارگری و به رسمیت شناختن حق اعتصاب" برای کارگران

میکند. "طبرزدی" پیش از اعلام "جبهه دمکراتیک مردم ایران"، اطلاعیه شاخه کارگری آن "جنبش متحد کارگران ایران" را صادر میکند. نمایندگان مجلس دوم خرداد در اهواز سراسیمه خود را به کارگران اعتصابی حفاری میرسانند و به دولت پیغام میفرستند که طرح واگذاری شرکت ملی حفاری را پس بگیرد که "به صلاح نظام" نیست. اهمیت مبارزات کارگری در اوضاع سیاسی ایران پیشینه روشنی دارد. اعتصابات سراسری کارگران و بویژه نفت در انقلاب ۵۷ و به زانو در آوردن رژیم شاه، سراسیمگی خمینی و اپوزیسیون ملی - اسلامی آژمان در فرستادن بازرگان با هلی کوپترهای شاهنشاهی به جنوب برای خواباندن و کنترل اعتصاب نفت و وقایع متعدد بعد از آن به هر ناظر سیاسی ایران آموخته است که یک پای تعیین تکلیف نهایی سرنوشت جامعه ایران طبقه کارگر است. اما طبقه کارگر در اوضاع ایران دو جور میتواند نقش ایفاء کند. یا اینکه بصورت اپوزیسیون و گروه فشار بر نیروهای سیاسی جامعه باقی بماند، جنگ قدرت را به بورژواها و نیروهای طبقات دیگر

واگذارد و همواره از بین بد و بدتر "انتخاب" کند. و یا اینکه خود سرنوشت جامعه را بدست بگیرد و در راس مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن یک جامعه انسانی و سوسیالیستی قرار بگیرد. طبقه کارگر ایران به یمن شرایط عینی و همیشگی وجود برنامه و سیاستهای کمونیسم کارگری و حزب آن در موقعیت مساعدی قرار دارد تا نه فقط خود و جامعه ایران را از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری رها کند که الگویی به تمام بشریت زحمتکش دنیا ارائه نماید.

ارتقاء تحرک اخیر جنبش کارگری به عروج سیاسی و رهایی بخش طبقه کارگر در گرو تلاش رهبران عملی، کمونیستها و اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری در ایجاد یک جنبش وسیع مجامع عمومی و سازماندهی اعتصابات پر قدرت در مراکز مهم کارگری بویژه نفت برای تحقق مطالبات سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر است.

علیه حضور عناصر جمهوری اسلامی در آلمان

میتینگ اعتراضی

مردم ایران حکم به سرنگونی این رژیم داده اند.

جمهوری اسلامی در حال سقوط است و هیچ تقابلی از سوی دول غربی دیگر نمیتواند به حال این رژیم محتضر مفید افتد.

دولت آلمان در ادامه حمایتش از جمهوری اسلامی، این بار از طریق گراسی موزیوم در شهر لایپزیگ کاردار سفارت رژیم اسلامی را برای سخنرانی دعوت کرده است. حزب کمونیست کارگری ایران همچنانکه تاکنون نشان داده است، نخواهد گذاشت خارج کشور جولانگاه عناصر مزدور جمهوری اسلامی گردد.

در این میتینگ اعتراضی وسیعا شرکت کنید!

سخنران: محمد آسنگران مشاور کمیته مرکزی حزب و عضو کمیته آلمان

زمان: ساعت ۴ بعد از ظهر پنجشنبه دوم نوامبر
مکان: لایپزیگ - پوهانیس پلاتز مقابل گراسی موزیوم
juhanes Platz

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری -

کمیته آلمان ۲۵ اکتبر ۲۰۰۰

تلفن: 01 5692413

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مبارزه متحد علیه بیکارسازی ها یک ضرورت فوری!

شهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com



همبستگی دیگر بخش های کارگری را بخود جلب کنند. کارگران توانسته اند در مواردی پرداخت بیمه بیکاری را تحمیل کنند و دستمزدهای معوقه خود را بگیرند.

کارگران صنعت نفت تاکنون به اشکال مختلف به سیاست دولت مبنی بر اجرای طرح اصلاح ساختار صنعت نفت اعتراض کرده و عملاً اجرای این طرح برای یکسال به تعویق انداختند. آخرین آن تحصن سه روزه کارگران حفاری اهواز در روز ۲۶ مهرماه بود که با یک حرکت اعتراضی قدرتمند و دادن اولتیماتومی ۷۲ ساعته به جمهوری اسلامی، وزارت نفت رژیم را وادار به عقب نشینی کردند.

قابل پیش بینی است که با کشیده شدن دامنه بیکارسازیها به صنعت نفت که نقش کلیدی در اقتصاد جامعه و جایگاه تعیین کننده ای در مبارزه کارگران دارد، دامنه اعتراضات کارگری گسترده تر و ابعاد سراسری تری بخود خواهد گرفت. در شرایط سیاسی کنونی در جامعه، این امکان برای کارگران وجود دارد که با حرکتی قدرتمند و متحد بر علیه بیکاری، خواستهای طبقاتی خود را همچون بیمه بیکاری مکفی برای همه کارگران بیکار، و ممنوعیت اخراج توسط کارفرمایان را به دولت و سرمایه داران تحمیل کنند و مجامع عمومی کارگری را به یک ارگان مهم تصمیم گیرنده در رابطه با سرنوشت کارگران تبدیل سازند.

مبارزه متحد علیه بیکارسازی ها، اتحاد کارگری علیه بیکاری نه فقط برای بهبود فوری اوضاع معیشتی کارگران یک ضرورت عاجل است بلکه یکی از عرصه های مهم مبارزه برای تغییرات اساسی در جامعه و رها شدن قطعی از شر رژیم جمهوری اسلامی نیز هست.

سازند. این واقعیتی است که تا حد قابل مشاهده ای اکنون شاهد آن هستیم. علیرغم فلاکت بیسابقه ای که جمهوری اسلامی به کارگران تحمیل کرده، امروز کارگر در مقابل این سیاستها هر روز بیشتر و بیشتر به مبارزه کشیده شده و این مبارزات هر روز اشکال سیاسی تری بخود میگیرد. در چند ساله اخیر ما شاهد بیشترین اعتراضات کارگری بوده ایم که در دو دهه اخیر بی نظیر بوده است. آنچه که در این رابطه مهم و قابل توجه است اینست که اکنون بیش از پیش شرایط برای اتحاد کارگری علیه بیکاری فراهم است. به این معنی که علاوه بر شرایط مساعد سیاسی کنونی، طبقه کارگر به لحاظ سازمانیابی گامهای مهمی به جلو برداشته است. مبارزات هر روزه کارگران باعث شده که ما هر روزه شاهد برپایی مجامع عمومی کارگری در محیط های کارگری باشیم و این خود زمینه را برای برپایی منظم مجامع عمومی کارگری فراهم تر کرده است. در چند ساله اخیر کارگران توانسته اند اعتصابات طولانی مدت یک هفته تا یکماه داشته باشند و بعضاً در این اعتصابات هیات های نمایندگی خود، که منتخب مجامع عمومی آنها بوده را به کارفرمایان و دولت تحمیل کرده اند. در مراکز بزرگی چون صنعت نفت و یا گروه صنعتی کفش ملی اعتصاب از سطح یک مرکز و یا یک شهر فراتر رفته و کارگران توانسته اند

بیکارسازی ها بر زمینه بحران اقتصادی موجود و تلاش رژیم برای خروج از این بحران و سود آور کردن تولید انجام میگردد. در هر دوره تحت بهانه های مختلف از جمله طرح تعدیل نیروی انسانی، اصلاح ساختار تولید و تحت عناوین کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه، بدهکاری به بانک و ورشکستگی کارفرما و غیره و غیره صورت گرفته است. امروز نیز از سوی دولت و کارفرمایان همین بهانه ها به میان کشیده میشود. از کمبود نقدینگی صحبت میشود. بسیاری از کارخانجات بدلیل کمبود مواد اولیه تعطیل میشوند. تولید در بسیاری از صنایع بدلیل تکنولوژی فرسوده و عقب مانده آن مانند صنایع نساجی دیگر مقرون بصرفه نیست و به تعطیلی کشیده میشود. در بخشهایی نیز نظیر ذوب آهن اصفهان، صنایع فلزی، صنعت نفت اجرای طرحهای مدرنسازی و اصلاح ساختاری به اجرا گذاشته شده تا تولید سود آور شود و همین بهانه ای است برای موج جدیدی از بیکارسازیها. در این میان تعویق دستمزد کارگران به یک پدیده عمومی و سراسری تبدیل شده و در بسیاری از کارخانجات کارگران پس از ماهها بیکاری و به تعویق افتادن پرداخت دستمزدهایشان ناگزیر از قبول بازخرد از کار میشوند. امروز بیکارسازیها در ایران در مقایسه با بیکارسازیها در سالهای ۶۲ و ۷۲ ابعاد سیاسی تری پیدا کرده و در شرایط سیاسی متفاوتی صورت میگردد. وجود جو اعتراضی نسبتاً بالا در جامعه، بحران سیاسی عمیق رژیم و جنگ جناحهای حکومتی که انعکاسی از همین بحران و نارضایتی در جامعه است، به کارگران امکان بیشتری میدهد که نسبت به بیکارسازیها نه فقط ساکت ننشینند (که هیچگاه ساکت نیز ننشسته اند) بلکه صفوف خود را برای مقابله با این فشار و حمله دولت اسلامی و طبقه سرمایه دار متحد تر

حدود ۵۰۰۰ کارگر قراردادی آن در سال (۹۷)۷۵ از کار اخراج شدند. طبق آمار رسمی با توجه به نرخ رشد جمعیت هر ساله ۲ میلیون از جمعیت به سن کار میرسند و نرخ بیکاری رشدی تصاعدی را طی میکند. این درحالیست که کارگران بیکار از حق بیمه بیکاری واقعی و تامین اولیه ترین نیازهای زندگی خود محرومند. در سال ۷۰ تنها ۱۹۰۰۰ نفر تحت پوشش بیمه بیکاری رژیم قرار گرفتند. در سال ۷۲ که موج بیکارسازیها صدها هزار کارگر را به صف بیکاران پرتاب کرد تنها ۳۶۰۰۰ کارگر تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفتند. "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی فقط شامل کسانی میشود که قبلاً شاغل بوده و علیرغم میل خود بیکار شده اند. این قانون تنها شامل کارگرانی میشود که مشمول قانون تامین اجتماعی هستند. «آ» «ب» یعنی از کل جمعیت نزدیک به ده میلیون کارگر در ایران فقط دو میلیون و چهارصد هزار کارگر مشمول قانون کار هستند. بدین ترتیب بیمه بیکاری جمهوری اسلامی میلیونها کارگری که در کارگاهها کوچک زیر ۳۰ نفر کار میکنند و کارگران زراعی را در بر نمیگیرد. میزان مبلغ بیمه بیکاری در این قانون برابر ۵۵ درصد متوسط آخرین مزد کارگر در نظر گرفته شده است و مدت پرداخت آن محدود و بین ۵ تا ۶ ماه برای کارگران مجرد و ۱۲ ماه برای کارگران متأهل است. در نتیجه دایره شمول بیمه بیکاری بسیار محدود، مدت برخورداری از آن کوتاه و مبلغ آن بسیار ناچیز است و کارگران از بیمه بیکاری واقعی محرومند. اگر به این وضعیت گرانی روزافزون و هزینه بالای زندگی را نیز اضافه کنیم بخوبی روشن میشود که امروز کارگران در ایران از لحاظ اقتصادی در چه وضعیت دشوار و فلاکت بیسابقه ای بسر میبرند.

بیکاری یک معضل عظیم اجتماعی در ایران است. نه فقط امکان اشتغال برای صدها هزار جوانی که هرساله به بازار کار می پیوندند وجود ندارد، بلکه همزمان بخش زیادی از کارگران شاغل با تعطیل شدن کارخانجات و مجتمع های تولیدی به صف بیکاران رانده میشوند. بیکارسازیها، یعنی اخراج گروه گروه کارگران از کارخانجات، به بیکاری در ایران ابعادی بسیار وسیع داده است.

در آخرین موج بیکاری سازیها، از آغاز سال ۷۷ تاکنون کارخانجات بسیاری در ایران بحال تعطیل درآمده اند. تولید بسیاری از صنایع نظیر صنایع نساجی، ساختمانی و معادن بکلی متوقف شده و یا بعضاً بحال نیمه تعطیل درآمده و هزاران هزار کارگر از کار بیکار شده اند. حتی صنعت نفت و صنایع کلیدی نیز از این قاعده مستثنی نمانده اند. با به اجرا گذاشته شدن طرح اصلاح ساختار صنعت نفت از آغاز سال ۷۸ دامنه این بیکارسازیها در ابعادی بسیار وسیع به این صنعت نیز کشیده شد. مطابق بخشنامه اجرایی این طرح ۴۰۰۰۰ کارگر یعنی جمعیتی حدود یک سوم کل کارکنان این صنعت در خطر اخراج و بیکارسازی قرار گرفتند. اما با اعتراض و مقاومت کارگران در مقابل این سیاست اجرای آن عملاً برای مدت یکسال متوقف ماند.

این اولین بار نیست که رژیم به بیکارسازی وسیع کارگران دست میزند. قبلاً نیز در سال های ۶۱ و ۶۲ و بعد در سال ۷۲ ما شاهد موج وسیعی از بیکارسازیها در ایران بودیم. در بیکارسازیهای سال ۷۲ تحت عنوان طرح تعدیل نیروی انسانی کار در کارخانجات بیش از ۱۰۰ هزار کارگر از کار بیکار شدند. بعنوان نمونه های بعدی در سال ۷۴ هفت هزار کارگر مترو در تهران بیکار شدند و در طرح مدرنسازی ذوب آهن اصفهان ۲۰ هزار کارگر مازاد بر احتیاج تشخیص داده شد که

به انترناسیونال هفتگی

کمک مالی کنید!

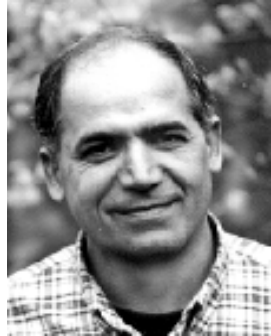
انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

فصل تازه ای در مبارزات کارگری شروع شده است

پس از عقب نشینی در برابر کارگران حفاری اهواز، جمهوری اسلامی

در برابر کارگران چیت بهشهر هم تسلیم شد

اصغر کریمی



کارگری از جمله چیت ری و نساجی سیمین اصفهان و تعدادی دیگر از مراکز کارگری نیز سرایت کرده بود. اینها همه فصل نوی را در جنبش کارگری نوید میدهد. مطالبات، شکل و طول مدت اعتراض، روحیه حاکم بر کارگران، اعتصابی، جلب حمایت مردم، مقاومت در برابر نیروهای سرکوبگر و عقب نشینی سریع دولت همگی حال و هوای تازه ای در مبارزه کارگری را نشان میدهد.

بحران در چیت سازی بهشهر و حفاری اهواز موقتا مهار شده است اما با عقب نشینیهای آشکار حکومت اسلامی در برابر اراده متحد کارگران، غول جنبش کارگری دارد قد علم میکند و مهار آن دیگر در توان جمهوری اسلامی نیست. جنبش کارگری در صف اول اعتراضات گسترده مردم برای رهایی از بی حقوقی و زندگی فلاکت باری که رژیم اسلامی بر مردم تحمیل کرده است سرعت جای خود را باز میکند و نقطه عطف امیدبخشی در جامعه ایران فرا میرسد.

در فولاد اهواز کارگران علاوه بر دستمزدهای معوقه خواسته‌هایی مانند قراردادهای دستجمعی و افزایش دستمزد را که از خواسته‌های کلیدی جنبش کارگری در شرایط کنونی است پیش کشیدند و کارگران حفاری از صنعت نفت نیز چنان متحد و با اعتماد بنفس دست به اقدام زدند که دولت را مجبور کردند قبل از پایان مهلت اخطار سه روزه، دست از اجرای یک طرح کلیدی و مهم خود یعنی بازسازی صنعت نفت بردارد. در یکی دو هفته گذشته اعتصاب به سایر مراکز

مقامات حکومت آنچنان دستپاچه شدند که جلسه پشت جلسه برگزار کردند، نگرانیهایشان را با هم در میان گذاشتند، رئیس جمهور هیئت وزیران را فراخواند و با اختصاص اعتبار فوری برای کارخانه چیت سازی بهشهر و واگذاری موقت آن به دولت، کارخانه را براه انداختند و بحران را در این مرکز مهار کردند.

اعتصاب و تحصن کارگران چیت بهشهر چندین روز طول کشید و علیرغم بسیج نیروی سرکوبگر از شهرهای مختلف و حمله به کارگران نه تنها آرام نشد بلکه بخشهایی از مردم شهر نیز به آن پیوستند.

است. چهار روز پیش اعتصاب و اخطار پر قدرت کارگران حفاری اهواز دولت اسلامی را سراسیمه به عقب نشینی وادار کرد. نصرالله دریاییگی عضو شورای عالی کار کشور از موضوع عدم پرداخت دستمزد و مزایای کارگران چیت سازی بهشهر و اعتصاب یک هفته ای آنان بعنوان بحران یاد کرده و از دولت خواسته است در روند فاجعه آمیز واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی تجدید نظر کند. با تحصن یک هفته ای کارگران چیت سازی بهشهر و پیوستن بخشهایی از مردم به این تحصن، و گسترش سریع اعتصابات به سایر مراکز کارگری،

روزنامه های جمهوری اسلامی پنجشنبه ۵ آبان خبر دادند که دولت ۵ میلیارد ریال اعتبار فوری برای حل بحران چیت سازی بهشهر اختصاص داده است تا بدینترتیب بحران ناشی از اعتصاب یک هفته ای کارگران بیکار شده این کارخانه و عدم پرداخت دستمزدها و مزایای کارگران را حل کند. این تصمیم به پیشنهاد وزیر کار و موافقت خاتمی اتخاذ شده است.

این دومین عقب نشینی جمهوری اسلامی در عرض چند روز گذشته

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

هفته اعتراض برای آزادی فوری محمود صالحی

دبیر سندیکای خبازان شهر سقز

محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان شهر سقز که توسط سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی برای بار دوم در یکسال گذشته از هفتم شهریورماه دستگیر و زندانی شده است اکنون در زندان با وضعیت جسمی وخیمی روبرو شده است. محمود صالحی یک کلیه دارد و آنهم در اثر شرایط غیر انسانی زندان دچار ناراحتی شده است. جان محمود صالحی در معرض خطر است. مسئولین جنایتکار زندان حتی حاضر نشده اند او را به بیمارستان بفرستند.

بمنظور برپائی اعتراض گسترده علیه زندانی شدن محمود صالحی و برای آزادی فوری او، کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از روز شنبه ۷ آبان (۲۸ اکتبر) یک هفته اعتراض اعلام میکند و همه کارگران، جوانان و مردم آزادیخواه را در شهر سقز و شهرهای کردستان و در سراسر ایران فرا میخواند که به هر شیوه ممکن از برپائی آکسیون و تجمع اعتراضی تا نوشتن قطعنامه های اعتراضی و نامه و طومار و ارسال آن به مقامات رژیم اسلامی خواهان آزادی فوری محمود صالحی شوند. حزب کمونیست کارگری همزمان کمپینی در جهت جلب حمایت سازمان های کارگری و نیروهای آزادیخواه و نهادهای مدافع حقوق انسان و مدافع زندانیان سیاسی در سراسر جهان برای آزادی فوری محمود صالحی براه میاندازد. دفاع از آزادی فوری محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان شهر سقز، دفاع از ابتدائی ترین حقوق کارگران، دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از جان و سلامت انسان است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آبان ۱۳۷۹ - ۲۶ اکتبر ۲۰۰۰

Tel: 0046 39 855 83

fax: 0044 870 133 7209

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تشکیلات خارج کشور حزب نیز کمپینی گسترده و بین المللی برای آزادی محمود صالحی شروع کرده است و همه مردم آزادیخواه را به شرکت فعال در این کمپین فرا میخواند.

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی 0044-771 4097928

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

رادیو انترناسیونال را

روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org